

ترجمه و نگارش :

احمد احمدی بیرجندی

از دائرة المعارف اسلامی (فرانسه)

ابونواس

حسن بن هانی حکمی معروفترین شاعر عرب عصر عباسی است . وی بین سالهای ۱۳۰ و ۱۴۵ هجری در اهواز متولد شد و بین سالهای ۱۹۸ و ۲۰۰ هجری در بغداد وفات یافت (حمزه اصفهانی نیز همین تاریخ را بدست داده است ، نسخه خطی فاتح ۳۷۷۳ ورق ششم - / و) با توجه به اینکه دیوانش شامل مرثیه‌ای درباره امین است (متوفی در سال ۱۹۸ هـ) تاریخهائی که مقدم بر سال ۱۹۸ درباره سال وفاتش نوشته شده است ؛ نادرست می نماید .

پدر ابونواس از لشکریان آخرین خلیفه اموی مروان دوم و مولای جراح بن عبدالله الحکمی بود که متعلق به قبیله بنی سعد بن عشیره از عربستان جنوبی است . بهمین جهت است که ابونواس نسب خود را از این قبیله می داند و نسبت به اعراب شمالی کینه و نفرتی در دل دارد . در عوض مادرش گلبان (جلبان) ایرانی بود . ابونواس هنگامی که هنوز بسیار جوان بود به بصره آمد و از آنجا به کوفه رفت . اولین استادش والبنه بن الحباب بود

بعد از مرگ والبه (ربك : مرثیه ، دیوان ، قاهره ۱۸۹۸ ، ۱۳۲) شاگرد و هواخواه خلف الاحمر شاعر و راوی شد . بعلاوه ، اطلاعات و معلوماتی در باب قرآن و حدیث تحصیل کرد و در مجالس درس علماء صرف و نحو همچون ابو عبیده و ابوزید و دیگران حاضر میشد و نیز نقل شده است که برای آموختن زبان عرب ، بر طبق رسم و آیین

قدیم ، مدتی در بین قبایل بدوی سکونت اختیار کرد . بعد از تربیت و ممارست کافی به بغداد مراجعت کرد تا با مدائح خود لطف و عنایت خلفای بغداد را نسبت به خویش جلب کند ، ولی در دربار بغداد گوشه‌های شنوایی که باشعارش توجه کنند نیافت ؛ در عوض ، برامکه ملاطفت و عنایت بیشتری نسبت به وی ابراز داشتند. پس از سقوط برامکه ناچار به مصر گریخت و در آنجا شعاری در مدح رئیس دیوان الخراج ، خاطب بن عبدالحمید سرود . مع هذا ، بزودی توانست به شهر دلخواه خود ، بغداد ، بازگردد و در خشان‌ترین دوره حیات خود را به عنوان مصاحب خوشگذرانهای امین سپری کند . با وجود این ، روزی امین ابونواس را از شرب خمر منع کرد و او را به همین بهانه به زندان افکند . مطالبی که در باب مرگ ابونواس نقل شده است اطمینان بخش و درست نیست . بنا به يك روایت ، ابونواس بعثت سرودن شعری کفرآمیز به زندان افتاد و همان‌جا از دنیا برفت . بر حسب روایت دیگری در خانه زنی می‌فروش از جهان رفته است . روایت سوم حاکی از آن است که ابونواس در خانه خانواده دانشمندان شیعی نوبختی جان به جان آفرین تسلیم کرده است .

حقیقت امر هر چه باشد ، روابط دوستانه‌ای او را با اعضای این خانواده و مخصوصاً با اسمعیل بن ابی‌سهل نوبختی پیوند می‌داده است که ، با همه نزدیکی ، ابونواس درباره او اشعار تند و توهین‌آمیزی سرود (دیوان ، ۱۷۱ و بعد) بهمین جهت باید این گفته را که ابونواس به دست فرزندان نوبخت کشته شده اتهام بی‌اساسی دانست ، بخصوص که خانواده نوبخت ، بعد از آن به جمع‌آوری دیوان اشعار ابونواس مشغول شد و حمزه اصفهانی توانست از اطلاعاتشان بهره‌مند شود (ر.ک : نسخه خطی فاتح ۳۷۷۳ ورق سوم ، پ) .

بونواس در نظر منتقدان ادبی عرب ، بعنوان نماینده مکتب جدید شعری محدثون معرفی شده بود . «همچنانکه امرؤ القیس از شمار شاعران کهن محسوب می‌شود ، ابونواس از شمار شاعران جدید است» (نسخه خطی فاتح ۳۷۷۳ ، ورق هفتم / ر) تنها بشاربن برد می‌توانست با وی رقابت کند ، در عین آنکه ابونواس هنوز عموماً شکل کهن شعر سرائی را در اشعار مدیحه‌اش بکار می‌برد (ر.ک : برای نمونه . دیوان ، ۷۷ قصیده منهو که درباره فضل بن ربیع ، که به صورتی کامل بوسیله ابن جنی شرح شده

است) مع هذا درهمه جا شیوه‌های قدیم سرودن اشعار، بویژه نسیب را به باد استهزا می‌گیرد. گاه اتفاق می‌افتد که حتی بدون مقدمه به نسیب آغاز می‌کند. در شعری چنین می‌گوید:

«من از آن جهت گریه نمی‌کنم که خیمه‌گاه محبوب دوباره خالی و ویران شده است»

(نسخه خطی فاتح ۳۷۷۵ ورق ۱۲/ر)

«علاوه بر جایی که محبوبه در آن سکونت اختیار کرده است، بر میکده‌هایی اشک می‌بارد که ناپدید شده و بردوستان میگساری تأسف می‌خورد که در جهان پراکنده شده‌اند» (رک: همچنین شعری که بوسیله ه. ریتز، در اریانتالیا، استانبول، ۱۹۳۲، ترجمه شده است).^۱

نوع شعری که در آن ابونواس مخصوصاً ممتاز و مشخص است **خمریات** است و نیز اشعاری که در عشق و دلدادگی نوجوانان سروده است. ابونواس نه فقط در توصیف مزایای شراب و عشق غیر طبیعی باشکلی تازه مهارت دارد؛ بلکه تجربیاتش را درین شیوه با واقع‌گرایی خاص و توأم باطنز بیان می‌کند. علاوه بر این پروائی ندارد از اینکه به مسخره کردن خویش بپردازد، در حالی که از عبرتهائی که در پایان میخوارگی‌های بی‌حساب با نوجوانانی که بر اثر نوشیدن شراب به پایانی گناه آلود رسیده‌اند، سخن گوید و تنبیهی را که برای وی حاصل شده است ابراز کند (رک: برای نمونه نسخه خطی فاتح ۳۷۷۵ ورق (۲) همچنین اشعاری استهزاآمیز دارد که دربارهٔ جسم تحلیل رفته و بر اثر مرض سخت‌نزار و لاغر شدهٔ خود، سروده است (دیوان ۱۳۱ و بعد). ابونواس اغلب با صداقتی قابل توجه به گناهان خود اعتراف می‌کند و نیز همگنانش را به توبه کردن و انابت دعوت می‌نماید. از خرده‌گیران می‌خواهد که او را آرام بگذارند زیرا سرزنشها و زخم زبانهای آنان جز آنکه آتش درونش را تیزتر کند کاری نمی‌تواند کرد؛ گوئی تا آخر عمر می‌بایست به همین صورت زندگی کند.

ابونواس از اینکه با تمام وجود به کارهائی پرداخته است که در نزد خدا ناخوشایند

است، بجز شرك، بخود می‌بالد (دیوان ۲۸۱).

تمام قوانین و مقررات اسلام را با ضربات ریشخند آمیز خود کوبیده است. با وجود این، اشعار ضد اسلامی او طبق نقشه‌ای معین سروده نشده؛ بلکه حمله‌اش به اسلام تنها منبعث از عشق و علاقه زیاد به درک لذات است، زیرا قوانین و مقررات اسلامی مانع و رادعی در وصول او به لذت و خوشی می‌باشد. سرانجام، به رحمت و بخشایش پروردگار می‌اندیشد و تصور می‌کند که رفتار گناه‌آلودش آن قدر بی‌ارزش و اهمیت است که خداوند به آن توجهی نخواهد فرمود (نسخه فاتح، ۳۷۷۵، ورق ۱۶ ر/پ) مع‌هذا از اشعار زاهدانه‌اش هیچ استنباطی درین باب بدست نمی‌آید که در آخر عمر به سر نوشت خود توجهی کرده و توبه کرده باشد. آنچه تصور می‌شود اینست که این اشعار به مناسبت اوضاع و احوال زودگذر حیات سروده شده و از نوع اشعاری است که به مناسبت و در موقعیت‌های خاص سروده می‌شود.

از طرف دیگر، در دیوان اشعارش تناقضاتی به چشم می‌خورد. این اشعار نه تلون و نه ناشایستگی گفتار و کردارش را ثابت می‌کنند؛ بلکه تنها پاسخهایی هستند که شاعر به نیاز باطنی و روحی خود داده و حاکی از آن است که وی خواسته است بدین وسیله اندیشه‌هایش را بیان کند و یا هدفش این بوده است که افکار عمیقش را به زبان شعر آشکار نماید.

اشعاری که درباره عشق زنان سروده است نسبت به اشعاری که در باب عشق غیر طبیعی سروده شده است، مرتبه‌ای بس نازلتر دارد. ابونواس تنها نسبت به یک زن عشق ورزیده و آن کنیزکی بوده است به نام جنان اما حمزه اصفهانی این مطلب را با شدت انکار می‌کند و یک دسته از زنانی را برمی‌شمارد که شاعر نسبت به آنان عشق می‌ورزیده است (نسخه خطی فاتح ۳۷۷۴ ورق ۷۶/پ) اما این امر به نام زنانی مربوط می‌شود که از دیوان اشعارش استخراج شده و شاید این زنان چیزی جز پرداخته‌های خیال شاعر نبوده باشد در دیوان ابونواس، برای نخستین بار در ادبیات عرب، به فصلی برمی‌خوریم که در آن شاعر اشعاری مربوط به شکار سروده است. این اشعار، بویژه سگهای شکاری بازها، اسبها و همچنین چند حیوان درنده را بخوبی توصیف می‌کند و با با قدرت شگفت انگیز بیان شاعرانه مشخص و ممتاز است. درین قبیل اشعار به نمونه‌های شعری که قبایل بدوی عرب در باب توصیف حیوانات سروده‌اند نظر داشته ولی چنین می‌نماید

که به این نوع شعر استقلال و ابتکار تازه‌ای بخشیده‌است. بعدها ابن معتر این نوع شعر را به کمال رسانید.

زبان ابونواس شامل تعدادی لغات مبتذل و عامیانه‌است که در زمان او متداول بوده‌است، اما این زبان بر روی هم درست و هموار است. خطاهایی که بر او گرفته و او را به سبب استعمال برخی کلمات ملامت کرده‌اند، در نزد سابقین و شاعران مقدم بر او نیز رواج داشته‌است (رک: فوک، عربستان، ۵۱ بعد). اغلب اوقات در اشعار ابی‌نواس به کلمات فارسی برخورد می‌کنیم (وگاه يك ترکیب کامل مانند: دشت بیابان، نسخه خطی فاتح ۳۷۷۵، ورق ۲۹) از طرف دیگر، فرهنگ ایرانی نقش مهمی در اشعارش ایفا می‌کند (رک: گابریلی مجله شرق جدید، ۳۳، ۲۸۳) در اشعار ابونواس اغلب به قهرمانان تاریخی ایران بر می‌خوریم، اما قهرمانهای عرب نیز در اشعارش معرفی شده‌اند. هر چه باشد، این امر به تمایل و کشش خاصی مربوط نیست، زیرا به اشکال می‌توان به این نکته پی برد که ابونواس شاعری از فرقه شعوبیه باشد. آثار این شاعر تنها چشم انداز فرهنگی عصر عباسی را که در آن عنصر ایرانی تسلط و برتری روزافزون و زیادی داشته‌است منعکس می‌سازد.

در فرهنگ عامیانه عرب، شخصیت ابونواس بستگی بسیار نزدیکی به شخصیت هارون الرشید پیدا کرده‌است که به سهم خود جلال و درخشندگی خلافت را در وجود خویش منعکس می‌سازد. بدین طریق، ابونواس در کتاب الف لیله و لیله حق آب و گلی پیدا کرده و حتی در عصر ما نیز یکی از شخصیت‌های مورد علاقه قصه‌های عامیانه بشمار می‌رود که در آنها اغلب اوقات نقش يك دلقك درباری را ایفا می‌نماید (رک: شاده. مقاله «منشأ داستانهای ابونواس در هزار و یکشب» در نشریه «انجمن خاورشناسی آلمان»، شماره ۸۸، ۲۹۵ بعد؛ و شماره ۹۰، ۶۰۲ بعد؛ و. و. اینگرامر، «ابونواس در زندگی و در افسانه» لندن ۱۹۳۳ که شاده درباره آن در «مجله ادبیات خاوری» شماره ۳۸ (۱۹۳۵)، ۲۷-۵۲۵ شرحی نوشته‌است).

ابونواس به جمع‌آوری اشعارش اقدام نکرد. بدین جهت است که از طرفی، بسیاری

از اشعارش مفقود شده است، مخصوصاً اشعاری که در مصر سروده بود که همچنان در عراق ناشناخته مانده است. (ر.ک: نسخه خطی فاتح ۳۷۷۳ ورق ۴/ر) از طرف دیگر، بسیاری از اشعاری که دیگران در باب شراب و امارد سروده اند به وی نسبت داده اند. امروز دیوانش به تحریرهای مختلف در دسترس ما قرار دارد، که دو تحریر عمده آن را به مجاهدت دوتن محقق و مؤلف یعنی: صولی و حمزه اصفهانی مدیونیم. (در باب حمزه رجوع کنید: میتوخ، فعالیت ادبی حمزه اصفهانی، گزارشهای سمینارهای زبانهای شرقی، ۱۲، ۱۵۶، و بعد).

صولی سعی می کند آنچه را از اشعار ابونواس مفشوش و مخدوش بنظر می رسد از نسخه خود خارج کند و اشعارش را بصورتی بسیار دقیق، در هر فصل، با نظم خاص الفبائی، طبقه بندی نماید ولی حمزه اصفهانی با دیدی انتقادی، اما محدودتر، درین باره چنین ابراز عقیده می کند که: (غیر ممکن است بدانیم آیا يك شعر واقعاً اصیل و صحیح است یا خیر). در نتیجه این شیوه انتقاد، تحریر وی سه برابر نسخه صولی است. نسخه حمزه با رقم درست ۱۵۰۰ قطعه شعر است که شامل ۱۳۰۰۰ بیت می شود. وی تعدادی از قطعات اشعار را در دیوان خود فراهم آورده است که در تحریر صولی وجود ندارد. در دیوان حمزه چند فصل همراه شرح و تفسیر نیز آمده است. افزون برین، حمزه در نسخه تحقیقی خود، «رسالة» معروف به «شامی» در باب سرقات ابونواس را، که مهلهل بن یموت برای وی فرستاده بود، نیز جاداده است. چاپ اشعار خمیری (خمیریات) که بوسیله اهلوارد انجام شده تبعیت از نسخه صولی کرده، در صورتیکه چاپ قاهره سال ۱۸۹۸ میلادی بر اساس نسخه حمزه اصفهانی طبع شده است.

ما فعلاً آنچه در دسترس داریم - بویژه در استانبول - نسخه های خطی از این دو تحریر است که از نسخه های که بوسیله نخستین ناشران انتشار یافته، بمراتب بهتر است.

* * *

ذیل: از جهت حسن ختام لازم دیدیم ابیاتی را که ابونواس در مدح حضرت رضا عایه السلام سروده است بتقل از کتاب (عیون اخبار الرضا) شیخ صدوق با شرحی که در مقدمه آن آمده است در پایان این مقال بیاوریم (مترجم).

«حدثنا الحسين بن ابراهيم بن احمد بن هشام المكتب رحمه الله ، قال : حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم عن ابيه ، قال : حدثنا ابو الحسن محمد بن يحيى الفارسي ، قال : نظر ابونواس الى ابي الحسن علي بن موسى الرضا (عليهما السلام) ذات يوم وقد خرج من عند الامون على بقله له ، فدنا منه ابونواس ، فسأله عليه وقال : يا ابن رسول الله قد قلت فيك ابياتاً فاجب ان تسمعها مني قال : هات فانها يقول :

مطهرون نقيات ثيابهم تجري الصلوة عليهم اينما ذكروا

من لم يكن علويًا حين تنسبه فماله من قديم الدهر مفتخر

فاله لما برى، خلقا فاتقنه صفاكم واصطفاكم ايها البشر

فانتم الملا الاعلى و عندكم عام الكتاب وما جاءت به السور

فقال : الرضا (عليه السلام) قد جئتنا بايات ما سبقك اليها احد ، ثم قال يا غلام هل معك من نفقتنا شيء ؟ فقال : ثلث مائة دينار ، فقال : اعطها اياه ، ثم قال عليه السلام ، لعله استقرها يا غلام سق اليه البلغم^٣.

* * *

درجای دیگر چنین آمده است : حدثنا ابونصر محمد بن الحسن بن ابراهيم الكرخي الكاتب بايلاق ، قال حدثنا ابو الحسن محمد بن صقر الفساني ، قال حدثنا ابوبكر محمد بن يحيى الصولي قال سمعت ابا العباس محمد بن يزيد المبرد يقول خرج ابونواس ذات يوم من داره فبصر براكب قد حاذاه ، فسئل عنه ولم يروجه فقيل : انه علي بن موسى الرضا عليه السلام فانشا يقول :

اذا ابصرتك العين من بعد غاية وعارض فيك الشك اثبتك القلب

ولو ان قوماً امموك لقادهم نسيمك حتى يستدل بك الركب

* * *

درباب عاقبت کار ابونواس اشاره به این امر گردید که در پایان زندگی از گناهان

۳- میون اخبار الرضا للشيخ الاقدم والمحدث الاكبر ابی جعفر الصدوق ، چاپخانه دارالعلم ، قم

و اعمال ناروای خویش توبه کرد و تنبّه حاصل نمود. دکتور فوزی عطوی که دیوان ابی نواس را در بیروت (لبنان) چاپ کرده در بخش (الخمريات) در مقدمه آن این مطلب را بنقل از دکتور طه حسین چنین آورده است:

«ان ابانواس لم یکن قلیل الخطر ، ولا رجلاً لایؤبه له ، وانما کان ذامکانه عالیه ، و عالیه جداً ، و انه علی هذه المکانة کان ما جنأ ، مجاهراً بالمجون ، مسنمناً باللکة ، لایخشی فی ذلك سخط الامراء ، ولا انکار الفقهاء والمحدثین ، وانما یعتمد علی شیء واحد ، هو عفو الله ، و انه قد اخذ من الحیة لذاتها جمیعاً ، فلما مرض وعلم انه میت ، انفق مرضه یتوب و ینیب ، و یعتذر و یتغفر ، فلما مات رای بعض الرواة فی المنام ان الله قد غفر له ، و انه قد دخل الجنة» (صفحه ۸ دیوان ، الخمريات ، بیروت ، لبنان).

* * *

مؤلف جواهر الادب ، السيد احمد الهاشمی بك ، در ذیل ترجمه حال ابونواس چند بیت از ابیاتی که در حال احتضار سروده است نقل کرده که در آن حالت تضرع آمیز و پوزش خواهی شاعر آشکار می باشد:

یا رب ان عظیمت ذنوبی کثرة	فلقد علیمت بان عفوک اعظم
ان کان لایرجوک الا محسن	فبیمن یلوک و یسجیر المجرم ؟
ادعوک رب کما امرت تضرعاً	فاذا رددت یدی فمن ذایرحم ؟
مالی الیک وسیلة الا الرجاء	وجمیل عفوک ثم انی مسالم

